



Strategies for Achieving Political Justice in Islamic Thought With an Emphasis on the Thought of Martyr Ayatollah Khamenei*

Seyed Kazem Seyedbagheri¹

Hanieh Mollashafiei²

1. Associate Professor, Institute for Culture and Islamic Thought, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

seyedbagheri@iict.ac.ir

2. Ph.D. in Qur'anic Interpretation and Sciences; Lecturer at the Seminary and University, Qom, Iran.

h.shafii8288@gmail.com

Abstract

The central issue of the present study is to explain the strategies for achieving political justice in Islamic thought, with an emphasis on the thought of Ayatollah Khamenei. By reconstructing and systematizing his views, this study seeks to analyze and explain these strategies at four levels: the producers of justice, domains, oversight, and implementation. The main research question is: What are the strategies for achieving political justice in Islamic thought and, from his perspective, how can they be explained within these four levels? The research hypothesis is based on the premise that the realization of political justice requires the interaction and interconnectedness of four categories of strategies: justice-producing strategies, including rationality, piety, spirituality, and the comprehensive adoption of Islamic values; structural strategies, including adherence to the rule of law, just laws, and equality of all before the law; oversight

* **Cite this Article:** Seyed Bagheri, S. K. & Mollashafiei, H. (2026). Strategies for Achieving Political Justice in Islamic Thought with an Emphasis on the Thought of Martyr Ayatollah Khamenei. *Jurisprudence and Politics*, 7(1), pp. 7-38
<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75447.1141>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/09/01 • **Revised:** 2025/12/06 • **Accepted:** 2026/01/27 • **Published online:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



strategies, including informed demands for accountability and public oversight; and implementation strategies, including acquiring the power and decisiveness necessary for implementation. These strategies, as complementary links in a chain, provide the foundation for the realization and sustainability of political justice. In terms of its objective, this is a fundamental study, and methodologically, it is descriptive-analytical. The data were collected through documentary research, drawing on his works, messages, and statements, and were examined using a conceptual and inferential approach in order to extract and explain a strategic model for achieving political justice in Islamic thought, particularly in the thought of the Leader.

Keywords

Political Justice; Ayatollah Khamenei; Strategies for Achieving Justice.



استراتيجيات تحقيق العدالة السياسية في الفكر الإسلامي مع التركيز

على فكر القائد الشهيد آية الله الخامني* رحمته الله

السيد كاظم السيد باقري^١ حانية ملاشفيغ^٢

١. أستاذ مشارك في معهد الثقافة والفكر الإسلامي، قم، إيران (الكاتب المسؤول).
seyedbagheri@iict.ac.ir

٢. الحاصلة على الدكتوراه في التفسير وعلوم القرآن، ومدرة في الحوزة والجامعة، قم، إيران.
h.shafii8288@gmail.com

الملخص

تتمثل المسألة المحورية للبحث الحالي في تبين استراتيجيات تحقيق العدالة السياسية في الفكر الإسلامي، مع التأكيد على فكر القائد الشهيد آية الله الخامني. ويسعى هذا البحث، من خلال إعادة بناء رؤيته وصياغتها في إطار منهجي متكامل، إلى تحليل الاستراتيجيات المذكورة وتبيينها على أربعة مستويات، هي: منتجو العدالة، والمجالات، والرقابة، والتنفيذ. تتمثل السؤال الرئيس في تحديد ماهية استراتيجيات تحقيق العدالة السياسية في الفكر الإسلامي ومن منظور سماحته، وكيف يمكن تبينها في إطار هذه المستويات الأربعة. وتستند فرضية البحث إلى مبدأ مفاده أن تحقيق العدالة السياسية يستلزم تفاعل أربع فئات من الاستراتيجيات وترابطها، وهي: استراتيجيات إنتاج العدالة، وتشمل العقلانية والتقوى والروحانية وشمول القيم الإسلامية؛ والاستراتيجيات البنوية، وتشمل سيادة القانون، والقوانين العادلة، ومساواة الجميع أمام القانون؛ والاستراتيجيات الرقابية، وتشمل المطالبة الواعية والرقابة

* الاستناد إلى هذه المقالة: السيد باقري، السيد كاظم، ملاشفيغ، حانية. (٢٠٢٦). استراتيجيات تحقيق العدالة السياسية في الفكر الإسلامي مع التركيز على فكر القائد الشهيد آية الله الخامني. *الفقه والسياسة*، ٧(١)، صص ٧-٣٨.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75447.1141>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٩/٠١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٢/٠٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٦/٠١/٢٧ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٦/٠٣/٢٩

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

العامّة؛ والاستراتيجيّات التنفيذيّة، وتشمل التزوّد بالقدرة والحزم في التنفيذ. وتشكّل هذه الاستراتيجيّات، ضمن سلسلة تكاملية مترابطة، الأساس اللازم لتحقيق العدالة السياسيّة واستدامتها. ويُعدّ هذا البحث من حيث الهدف بحثاً أساسياً، ومن حيث المنهج بحثاً وصفيّاً تحليليّاً. وقد جُمعت البيانات بالأسلوب الوثائقي، من خلال الرجوع إلى مؤلّفاته ورسائله وخطاباته، ثم جرى تحليلها وفق مقارنة التحليل المفاهيمي والاستنباطي، بهدف استخراج نموذج استراتيجيات تحقيق العدالة السياسيّة في الفكر الإسلاميّ، ولا سيّما في فكر القائد الشهيد، وتبيينه.

الكلمات المفتاحية

العدالة السياسيّة، آية الله الخميني، استراتيجيات التحقيق.



راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی

با تأکید بر اندیشه شهید آیت الله خامنه‌ای^{*}

سید کاظم سید باقری^۱ و حانیه ملاشفیع^۲

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
seyedbagheri@iict.ac.ir

۲. دکتری تفسیر و علوم قرآن، مدرس حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
h.shafii8288@gmail.com

چکیده

مسئله محوری پژوهش حاضر، تبیین راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید آیت الله خامنه‌ای^{علیه السلام} است. این پژوهش با بازسازی و نظام‌مندسازی دیدگاه ایشان، در پی تحلیل و تبیین راهبردهای بیان شده در چهار سطح تولیدکنندگان عدالت، ساخت‌ها، نظارت و اجرا است. پرسش اصلی آن است که راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی و از منظر ایشان کدام‌اند و چگونه در قالب این چهار سطح قابل تبیین هستند. فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که تحقق عدالت سیاسی، مستلزم تعامل و پیوند چهار دسته راهبرد است: راهبردهای تولیدکننده عدالت شامل عقلانیت، تقوا، معنویت و فراگیری ارزش‌های اسلامی؛ راهبردهای ساختاری شامل قانون‌گرایی، قوانین عادلانه و تساوی همگان در برابر قانون؛ راهبردهای نظارتی شامل مطالبه‌گری آگاهانه و نظارت همگانی؛ و راهبردهای اجرایی شامل تجهیز به قدرت و قاطعیت در اجرا. این راهبردها در زنجیره‌های تکمیلی، بستر تحقق و پایداری

* استناد به این مقاله: سید باقری، سید کاظم؛ ملاشفیع، حانیه. (۱۴۰۵). راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید آیت الله خامنه‌ای. فقه و سیاست، ۷(۱)، صص ۷-۳۸.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75447.1141>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

عدالت سیاسی را فراهم می‌آورند. پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی تحلیلی است و داده‌ها به شیوه اسنادی و با مراجعه به آثار، پیام‌ها و بیانات ایشان گردآوری و با رویکرد تحلیل مفهومی و استنباطی بررسی شده‌اند تا الگوی راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی خاصه رهبری شهید استخراج و تبیین شود.

کلیدواژه‌ها

عدالت سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، راهبردهای تحقق.

مقدمه

عدالت سیاسی از بنیادی ترین اهداف حکمرانی اسلامی و از مهمترین معیارهای ارزیابی مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی به شمار می رود. در اندیشه سیاسی اسلام، حکومت فقط ابزاری برای حفظ نظم عمومی نیست، بلکه وظیفه دارد زمینه تحقق عدالت را در عرصه های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی فراهم سازد. با این حال، تحقق عدالت سیاسی تنها با تأکید نظری بر عدالت امکان پذیر نیست، بلکه نیازمند شناسایی راهبردها و سازوکارهایی است که بتوانند این آرمان را در عرصه واقعیت سیاسی محقق کنند.

در منظومه فکری اسلامی و اندیشه شهید امام خامنه ای (مدظله العالی)، عدالت از جایگاهی محوری برخوردار است و به عنوان یکی از اهداف اساسی نظام اسلامی و شاخص مهم حکمرانی مطلوب مطرح می شود. بررسی بیانات و آثار ایشان نشان می دهد که عدالت سیاسی پدیده ای تک عاملی نیست، بلکه حاصل تعامل مجموعه ای از عوامل معرفتی، ارزشی، ساختاری، اجتماعی و اجرایی است. از این منظر، تحقق عدالت سیاسی نیازمند شکل گیری مبانی فکری و اخلاقی مناسب، استقرار ساختارهای حقوقی عادلانه، نظارت و مطالبه گری مستمر اجتماعی و نیز برخورداری از اقتدار و اراده لازم برای اجرای عدالت است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه اسلامی با تأکید بر دیدگاه شهید آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) است و اینکه چگونه در قالب چهار سطح راهبردهای تولیدکننده عدالت، راهبردهای ساختاری، راهبردهای نظارتی و راهبردهای اجرایی قابل تبیین هستند؟ به نظر می رسد در اندیشه سیاسی اسلام و از منظر آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، تحقق عدالت سیاسی مستلزم تعامل و پیوند چهار دسته راهبرد است: راهبردهای تولیدکننده عدالت شامل عقلانیت، تقوا و معنویت و فراگیری ارزش های اسلامی؛ راهبردهای ساختاری شامل قانون گرایی، قوانین عادلانه و تساوی همگان در برابر قانون؛ راهبردهای نظارتی شامل مطالبه آگاهانه عدالت و راهبردهای اجرایی شامل تجهیز به قدرت و قاطعیت در اجرای عدالت. این راهبردها در یک رابطه تکمیلی و زنجیره ای، زمینه تحقق و پایداری عدالت سیاسی را فراهم می آورند.

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به آثار، پیام‌ها، سخنرانی‌ها و بیانات شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام گردآوری شده و سپس با رویکرد تحلیل مفهومی و استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا الگوی راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه ایشان استخراج و تبیین شود.

بیان مفاهیم

عدالت و عدل، در لغت به معنی حکم به حق است، راغب می‌گوید، عدالت، لفظی است که اقتضای مساوات و برابری دارد (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۵۱) «عدل»، نقیض و مقابل «جور» است (فراہیدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸) و هنگامی که با حرف «عن» استعمال می‌شود، دلالت بر اعراض، انصراف و تمایل دارد (مصطفوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۳). با عدالت، انسان در امورش، احوال متعادل و متساوی دارد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۱۷) «عدالت و دادگری کردن»، در لغت به معنای استقامت است (دهخدا، بی‌تا، ذیل لغت). «عدل» همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد. عدل یعنی رفتار صحیح، موازنه صحیح، معتدل بودن، و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن (شهید خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱). واژه قسط با عدل فرق می‌کند، «قسط»، همین عدل در مناسبات اجتماعی است، یعنی آن چیزی که امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌شود (شهید خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱).

معنای مفهومی عدل به معنای ملازمت با راه میانه و دوری از زیاده‌روی و تفریط در کارهاست و حقیقت عدل، داشتن هماهنگی در امور است (ر. ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۳۱). گاهی از این عدالت، به عدالت توزیعی^۱ عبیر می‌شود که پخش و توزیع منصفانه مواهب و منافع و وظایف در میان مردم مدنظر است و مهمترین ویژگی آن رعایت انصاف در سهم‌بری و برخورداری افراد است؛ حال آنکه عدالت تأدیبی یا

1. Distributive Justice

کیفری^۱ به حفظ و حراست بی‌طرفانه از قانون و نظم اجتماعی می‌پردازد و مهمترین ویژگی آن رعایت بی‌طرفی است. قانون و مجریان آن نباید تنها منافع و مصالح اشخاص خاص را مورد توجه ویژه قرار دهند، بلکه به مقتضای این عدالت همه باید در برابر قانون مساوی باشند (ر. ک. احمد واعظی، ۱۳۸۴، صص ۵۵-۵۷).

عدالت سیاسی^۲ یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی به شمار می‌آید، سیاست به قدرت، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان می‌پردازد، با حضور عدالت سیاسی می‌توان از وجود توازن، اعطای حقوق سیاسی، رعایت قانون و توزیع مطلوب قدرت میان شهروندان سخن به میان آورد. در این قلمرو، بسترهای لازم برای مشارکت فعالانه و آزادانه افراد در امور سیاسی فراهم می‌شود و آزادی‌های گوناگون برای تحقق حق بیان، حق انتقاد، تشکیل اجتماعات، حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن، به وجود می‌آید و شهروندان در اظهار دیدگاه خود، دارای مصونیت سیاسی می‌باشند. در عدالت سیاسی دو امر بایسته است؛ نخست، قانون در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها و لوازم آزادی برابر که باید عادلانه باشد و دوم این که نظام به نحوی چارچوب‌بندی شود که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن، به یک نظام قانون‌گذاری عادلانه و کارآمد منجر شود (ر. ک. راولز، ۱۳۸۳، ص ۳۴۲). برخی دیگر بر این باورند که عدالت سیاسی، آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش، به‌عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تأمین‌کننده این فضای عادلانه خواهد بود (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۷). آن‌سان که برخی به وجود تعادل مناسب تأکید دارند (ایان مک‌لین، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴). در این نوشته، منظور از عدالت سیاسی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه، در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود، قرار می‌گیرد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود؛ با عدالت سیاسی، بستر «انتخاب شهروندان» و «محدودیت قدرت»، فراهم و

1. retributive Justice
2. political Justice

مسیر جامعه برای رسیدن به «حق» گشوده می‌شود.

با توجه به تعریف یادشده، عدالت سیاسی را می‌توان از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های بنیادین شناسایی و ارزیابی کرد. مهمترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از حاکمیت قانون عادلانه و برابری همگان در برابر آن؛ توزیع متوازن قدرت و جلوگیری از تمرکز و انحصار آن؛ تضمین حقوق و آزادی‌های سیاسی مشروع، از جمله حق مشارکت، انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی بیان و نقد مسئولان؛ پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری صاحبان قدرت در برابر مردم و قانون؛ تأمین فرصت‌های برابر برای مشارکت سیاسی بدون تبعیض؛ نگهداری از کرامت و امنیت سیاسی شهروندان در بیان دیدگاه‌ها و فعالیت‌های قانونی؛ و جهت‌گیری قدرت در جهت خیر عمومی و تحقق حق نه منافع فردی یا گروهی. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که عدالت سیاسی تنها به توزیع قدرت محدود نیست، بلکه ناظر به چگونگی اعمال قدرت، رعایت حقوق شهروندان و استقرار نظم عادلانه در عرصه عمومی است. بر همین اساس، راهبردهای تحقق عدالت سیاسی نیز باید به گونه‌ای طراحی شوند که هر یک از این شاخص‌ها را در سطوح معرفتی، ساختاری، نظارتی و اجرایی تقویت کرده و زمینه تحقق عینی عدالت در نظام حکمرانی را فراهم آورند.

راهبرد، واژه یونانی «استراتژیا»^۱ به معنای «فرماندهی و رهبری» است. راهبرد؛ الگو و طرح عملیاتی است، در بردارنده روش‌هایی کلی، بر خلاف تاکتیک که خرده هدف‌ها را در نظر دارد (Merriam, G. & 1319, P. 996). استراتژی، طرح کلان عملیاتی برای سامان دادن به امور جهت رسیدن به اهداف است.

چارچوب نظری

در مبنای اندیشه اسلامی و شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام از نسبت میان عقلانیت، معنویت و عدالت در نظام حکمرانی اسلامی، می‌توان راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در

1. Strategia

اندیشه اسلامی را صورت‌بندی کرد. در این چارچوب، عدالت سیاسی پدیده‌ای مستقل و خودبنیاد تلقی نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل معرفتی، فرهنگی، حقوقی، اجتماعی و اجرایی است. از این رو، تحقق عدالت سیاسی، به عنوان متغیر وابسته پژوهش، در پرتو سطوح به هم پیوسته‌ای از راهبردها و سازوکارها تبیین می‌شود که در تعامل با یکدیگر، زمینه استقرار و پایداری عدالت در نظام حکمرانی اسلامی را فراهم می‌آورند.

در سطح نخست، مبانی معرفتی و ارزشی قرار دارند که شامل عقلانیت، تقوا و معنویت، و فراگیری ارزش‌های اسلامی است. عقلانیت، امکان تشخیص مصالح عمومی، پرهیز از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و طراحی سازوکارهای عادلانه را فراهم می‌سازد و معنویت و ارزش‌های اسلامی نیز جهت‌گیری اخلاقی قدرت سیاسی را تضمین کرده و مانع تبدیل عدالت به ابزاری برای منافع فردی و گروهی می‌شوند. از این رو، این مؤلفه‌ها زیربنای فکری و ارزشی عدالت سیاسی را تشکیل می‌دهند.

در سطح دوم، سازوکارهای حقوقی و نهادی تحقق عدالت قرار دارند که مهمترین آنها قانون‌گرایی، تدوین قوانین عادلانه و تساوی همگان در برابر قانون است. در این چارچوب، عدالت سیاسی زمانی از سطح ارزش‌ها فراتر رفته و در ساختار حکمرانی نهادینه می‌شود که قواعد حقوقی عادلانه بر روابط سیاسی حاکم باشد و هیچ فرد یا گروهی از امتیاز ویژه در برابر قانون برخوردار نباشد؛ بنابراین، قانون عادلانه و برابری حقوقی، مهمترین ابزارهای ساختاری تحقق عدالت سیاسی محسوب می‌شوند.

در سطح سوم، سازوکارهای اجتماعی و اجرایی قرار می‌گیرند. از یک سو، مطالبه آگاهانه عدالت از سوی مردم و نخبگان، نقش نظارتی و اصلاحی ایفا کرده و مانع انحراف ساختارهای سیاسی از معیارهای عدالت می‌شود؛ و از سوی دیگر، تجهیز نظام سیاسی به قدرت و برخورداری از قاطعیت در اجرای قوانین، ضمانت عملی تحقق عدالت را فراهم می‌آورد. در این نگاه، عدالت بدون قدرت و اراده اجرایی کافی، به یک آرمان غیرقابل تحقق تبدیل خواهد شد.

براساس این چارچوب، رابطه متغیرها به این صورت قابل تبیین است که عقلانیت،

معنویت و ارزش‌های اسلامی به‌عنوان مبانی نظری و هنجاری، زمینه شکل‌گیری قوانین عادلانه و برابری حقوقی را فراهم می‌سازند؛ این ساختارها به‌واسطه مطالبه و نظارت آگاهانه اجتماعی صیانت می‌شوند و در نهایت و سطح چهارم، از طریق قدرت و قاطعیت در اجرا به تحقق عینی عدالت سیاسی منجر می‌گردند. از این‌رو، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، عدالت سیاسی نه فقط یک ارزش اخلاقی و نه یک سازوکار حقوقی، بلکه حاصل پیوند منسجم میان عقلانیت، معنویت، قانون، مشارکت اجتماعی و اقتدار اجرایی در چارچوب حکمرانی اسلامی است.

راهبردهای تحقق عدالت سیاسی

یکی از مهمترین الزامات تحقق عدالت سیاسی، دستیابی به راهبردها و شاخص‌های بومی و اسلامی عدالت است. هرچند برخی راهبردهای مطرح در نظریه‌های غربی ممکن است در شرایط خاص قابل بهره‌برداری باشند، اما تحقق عدالت در جامعه اسلامی نیازمند اموری است که بر مبانی معرفتی، ارزشی و فرهنگی اسلام استوار باشند. از این‌رو، استخراج و تدوین راهبردهای مستقل عدالت سیاسی از منظر اسلام و اندیشه متفکران انقلاب اسلامی خاصه رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام که از دغدغه‌مندان و نظریه‌ورزان مهم این عرصه است، می‌تواند گام مهمی در جهت عملیاتی‌سازی و ارزیابی عدالت در نظام حکمرانی اسلامی به شمار آید.

در دیدگاه رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، عدالت سیاسی به مثابه غایت نظام مردم‌سالاری دینی، در گرو کاربست مجموعه‌ای از راهبردهای به‌هم‌پیوسته است که به‌طور کلی می‌توان آنها را در چهار سطح بررسی کرد، نخست، راهبردهای تولیدکننده عدالت، دوم، راهبردهای ساختاری، سوم، راهبردهای نظارتی و چهارم، راهبردهای اجرایی که ضمانت‌کننده تحقق عملی عدالت در عرصه مدیریت جامعه و برخورد با تبعیض هستند.

توجه به این چهار سطح راهبردی، مبتنی بر این واقعیت توجیه‌گر است که عدالت سیاسی پدیده‌ای تک‌بعدی و تنها هنجاری نیست، بلکه نتیجه تعامل میان مبانی معرفتی،

ساختارهای نهادی، سازوکارهای نظارتی و فرایندهای اجرایی است. از این رو، تحقق عدالت تنها با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی یا تصویب قوانین عادلانه میسر نمی‌شود، بلکه مستلزم زنجیره‌ای از راهبردهای به هم پیوسته است که از مرحله تولید اندیشه و فرهنگ عدالت آغاز شده و تا مرحله اجرای سیاست‌ها و ارزیابی عملکرد نهادها امتداد می‌یابد. به همین دلیل، اجرای عدالت، بدون تولید معرفتی، تبیین گفتمان عدالت و تربیت نیروهای باورمند به آن، به تحول پایدار نخواهد انجامید؛ همان گونه که وجود ساختارهای حقوقی و نهادی، بدون نظارت موثر، در معرض انحراف، فساد و بازتولید تبعیض قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، نظارت نیز زمانی کارآمد خواهد بود که به اصلاح سیاست‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای مدیریتی در عرصه اجرا بینجامد. بر این اساس، راهبردهای تولیدکننده عدالت، شکل‌گیری فرهنگ و گفتمان عدالت را دنبال می‌کنند؛ راهبردهای ساختاری، بسترهای حقوقی، نهادی و سازمانی تحقق عدالت را فراهم می‌سازند؛ راهبردهای نظارتی، از انحراف قدرت، فساد و نقض حقوق عمومی پیشگیری می‌کنند؛ و راهبردهای اجرایی، عدالت را در فرایند سیاست‌گذاری، مدیریت و توزیع امکانات عینیت می‌بخشند. جامعیت این تقسیم‌بندی، امکان تحلیل، تحقق و ارزیابی عدالت سیاسی را در سطوح حکمرانی فراهم ساخته و آن را از یک آرمان انتزاعی به معیاری عملی، پایدار و سنجش‌پذیر در نظام مردم‌سالاری دینی تبدیل می‌کند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که تحقق عدالت سیاسی، فرایندی چندلایه و نیازمند عزم هماهنگ در تمامی این سطوح است تا از شعاری آرمانی به واقعیتی عینی در کارآمدی نظام و تأمین امنیت ملی مبدل شود.

۱. راهبردهای تولیدکننده عدالت سیاسی با تأکید بر اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای

عدالت سیاسی در منظومه فکری غایتی است که با سه رکن بنیادین عقلانیت، تقوا و معنویت، و فراگیرسازی ارزش‌های اسلامی، پیوندی ناگسستنی دارد و این سه، خود به مثابه راهبردهای تولیدکننده عدالت عمل می‌کنند. در ادامه، این سه بررسی خواهد شد.

۱-۱. عقلانیت

یکی از راهبردهای مهم رسیدن به عدالت، عقلانیت و خردورزی است، عدالت سیاسی، امری احساسی و شعاری نیست، بلکه بیش از هر امر دیگر به عمل نیاز دارد که آن نیز با راهبردی کلان به نام عقلانیت، امکان‌پذیر است. در بیان علی (ع) تعریف عاقل با تعریف عادل، هماهنگ است؛ وقتی که به امام عرض شد: «عاقل را برای ما توصیف کن.» امام (ع) در پاسخ، همان را بیان کرد که در تعریف عدل فرموده بود: «عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود می‌نهد.» آن‌گاه از ایشان، پرسیده شد: «جاهل کیست؟» امام فرمود: «آن را بیان کردم»^۱ (نهج البلاغه؛ حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱). با این بیان به تعبیر جوادی آملی، عدل، عین عقل و خرد عملی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳). هر چیزی را به جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته، انجام دادن، کاری عالمانه، حکیمانه و درست، تلقی می‌شود که با عقلانیت، ارتباطی استوار دارد.

تجلی و حضور عقلانیت در جامعه، در میان کارگزاران و مجریان عدالت سیاسی معنادار می‌شود، این امر به آنان می‌آموزاند که برای تحقق عدالت، از همه تجربه‌ها و توانمندی‌های لازم بهره‌گیری شود و تدبیر، محاسبه، سنجش‌گری و ارزیابی را جهت فرایندی معقول سرلوحه کار خویش قرا دهد. رهبری شهید انقلاب با نطق بر این امر تأکید دارد که در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود... در عدالت، عقلانیت شرط اول است (خامنه‌ای شهید، ۸/۶/۱۳۸۸) ایشان تأکید دارد که عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴).

۱. عقلانیت، محاسبه عقلانی گاهی اوقات، منشأ تحولات عظیمی می‌شود. اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کار

۱. قيل له (ع): «صف لنا العاقل، فقال: هو الذي يضع الشيء موضعه. فقيل: فصف لنا الجاهل. فقال: قد فعلت».

گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را براساس آن اعتدالی خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴).

۲. بنابراین عقلانیت به‌عنوان یکی از ارکان تولید عدالت سیاسی، به معنای بهره‌گیری از خرد جمعی، تدبیر کارشناسی و آینده‌نگری در فرآیندهای حکمرانی است. این عقلانیت، سیاست‌گذاری عادلانه را از تصمیم‌گیری‌های شتابزده و سلیقه‌ای متمایز می‌سازد و با تکیه بر مطالعه دقیق واقعیت‌ها، راه را برای توزیع منصفانه قدرت، منابع، امتیازات و امکانات سیاسی هموار می‌کند. در این چارچوب، عقلانیت نه در تقابل با آرمان‌خواهی، بلکه در خدمت تحقق عینی عدالت و کارآمدی نظام قرار می‌گیرد و زمینه‌ساز مشارکت آگاهانه مردم در سرنوشت خویش می‌شود.

۲-۱. تقوا و معنویت

در کنار راهبرد عقلانیت، معنویت طرح می‌شود، تفاوت عمده نگره اسلامی از غیر آن، تقوی، عدالت و معنویت است که حضور آن، نگرش‌های مختلف و البته راهبردی‌هایی گوناگونی را به دنبال می‌آورد و می‌تواند، بسترهای مطلوب تحقق عدالت را در جامعه فراهم کند. این امر ناشی از دیدگاه جامع اسلام به عدالت است که در آن، فرد و جامعه، معنویت و عدالت، شریعت و عقلانیت در کنار یکدیگر ملاحظه می‌شوند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۸، صص ۱۶۶-۱۶۵)؛ از این رو به تعبیر رهبر شهید، اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی، خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند اما چون معنویت و آن‌گاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴، صص ۱۵۸-۱۵۷)؛ بنابراین، عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید، البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بعدی است.

بنابراین معنویت و عدالت درهم تنیده است (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴، صص ۱۵۸-۱۵۷)؛ لذا ایشان بر این باور است که باید برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت بود؛ در این صورت می‌توان با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کرد، همچنین این نکته را یادآور می‌شوند که معنویت هم بدون گرایش به عدالت، يك بُعدی است. بعضی‌ها اهل معنا نیستند، اما هیچ نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد؛ «من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوی‌یی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴، صص ۱۵۸-۱۵۷). با توجه به همین امر است که در منظر ایشان، زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود.

پس چون نیک بنگریم، در نگرش ایشان، تقوا و معنویت به‌عنوان جوهره و روح حاکم بر فعالیت و حرکت سیاسی، یکی از بنیادی‌ترین راهبردهای تولیدکننده عدالت به شمار می‌رود. تقوای سیاسی، در این چارچوب، به معنای پایبندی به حدود و ضوابط شرعی و اخلاقی در همه عرصه‌های حکمرانی است و از سلوک سیاسی جدا از اخلاق و معنویت بشدت پرهیز داده می‌شود، چراکه چنین سیاستی به آفتی برای جامعه بدل می‌شود. در واقع، سلوک سیاسی باید آمیخته با معنویت و سرچشمه گرفته از اخلاق باشد تا به وسیله‌ای برای کمال و قرب الهی تبدیل شود. تقوا نیز به‌عنوان ضامن پاکدستی و امانتداری، از لغزشگاه‌ها و انحرافات که دشمن از آن بهره می‌برد، جلوگیری کرده و با تأکید بر عدالت علوی و روش‌های تقوایی، زمینه‌ساز استقرار عدالت در جامعه می‌شود.

۱-۳. فراگیرسازی ارزش‌های اسلامی

۱. یکی از راهبردهای تأمین عدالت سیاسی براساس نگرش اسلامی آن است که ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در جامعه فراگیر شوند و در وجود و نهاد قدرت و قدرتمندان، نهادینه گردند. امام خمینی علیه السلام باور دارد که با جمهوری اسلامی،

سعادت، خیر، صلاح برای همه ملت است، ایشان اشاره دارد که اگر احکام اسلام پیاده شود، اصلی‌ترین معنای عدالت که همان احقاق حقوق باشد، اجرایی می‌شود، لذا مستضعفین به حقوق خودشان می‌رسند، تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند، ظلم و جور و ستم ریشه کن می‌شود. در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست، در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است. همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند. در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۵۲۵) یکی از مثال‌های فراگیر شدن ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی، به عنوان یکی از راهبردهای عدالت، خود را در بحث فرایند به کارگیری سرمایه‌ها در چرخه تولید نشان می‌دهد، برای نمونه امام خمینی علیه السلام در تفسیر آیه ربا، به یکی از احکام الهی و تأثیر آن در ایجاد عدالت، اشاره می‌کند، وی می‌نویسد که آیه شریفه می‌گوید اگر توبه کنید، سرمایه مال از خودتان است، نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید؛ این امر دلالت دارد بر این که گرفتن زیاده از سرمایه در نظر شارع مقدس ستم است و همین ظلم، حکمت تحریم ربا است، اگر نگوییم که علت آن است و روشن است که ظلم با تغییر عنوان از میان نمی‌رود، سپس ایشان به علت حرمت ربا اشاره می‌کند که ربا مردم را از تجارت و کارهای خیر منصرف می‌سازد و در روایات آمده است که علت حرام بودن ربا، فساد و ستمی است که در آن قرار گرفته است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۰). رهبری شهید نیز تأکید دارد که هدف از انقلاب اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی است و ایشان معیارها و شاخص‌های عمده جامعه اسلامی را عبارت می‌داند از جامعه برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق و برخوردار از عدالت. (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۶)

۲. رهبر شهید در همین راستا تأکید دارد که «اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه عدل است، کما اینکه اساس همه ادیان بر اقامه عدل است. خدای متعال می‌فرماید که ما پیغمبران را فرستادیم، کتاب‌های آسمانی را فرستادیم (خامنه‌ای شهید، ۱۴۰۰/۶/۶)، «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)

۳. بنابراین، فراگیر کردن ارزش‌های اسلامی به‌عنوان راهبردی بنیادین برای تحقق عدالت سیاسی، به معنای تبدیل عدالت از یک مفهوم انتزاعی به گفتمانی فراگیر و مطالبه عمومی در سراسر جامعه است. در این نگرش، عدالت نه به‌عنوان ارزشی وارداتی، بلکه به‌عنوان جوهره دین اسلام و هدف بعثت پیامبران معرفی می‌شود که باید برای همه آحاد جامعه، صرف‌نظر از طبقه یا قشر، به‌عنوان یک تکلیف دینی و آرمان انقلابی تعریف شود. بر این اساس، گفتمان‌سازی عدالت و قرار دادن آن به‌عنوان اصل تراز مسئولان و مردم، ضرورتی دوری ناپذیر است تا این ارزش الهی به‌صورت عملی در همه عرصه‌های حکمرانی جاری شود و از محدودیت‌های جناحی و گروهی فراتر رود. این فراگیری، ضامن تداوم انقلاب اسلامی و دلبستگی نسل‌های آینده به آرمان‌های آن است.

۲. راهبردهای ساختاری تحقق عدالت سیاسی با تأکید بر اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای
راهبردهای ساختاری برای تحقق عدالت سیاسی، بر ایجاد چارچوب‌ها و نهادهایی متمرکز است که عدالت را در لایه‌های بنیادین نظام حکمرانی نهادینه می‌سازد. این راهبردها در پی آن هستند که عدالت به اصلی عینی و جاری در ساختارهای قانونی و نهادی کشور تبدیل شود. در این چارچوب، بر اصولی چون قانون‌گرایی، رعایت حقوق فردی، توزیع عادلانه قدرت و تضمین مشارکت سیاسی، تأکید می‌شود. به عبارت دیگر، ساختارهای سیاسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که خود، پیشران و تضمین‌کننده عدالت باشند. این نگاه، عدالت را به‌عنوان فلسفه وجودی نظام و اصلی غیرقابل تغییر در تمامی سطوح حکمرانی ترسیم می‌نماید.

۱-۲. قانون‌گرایی و قوانین عادلانه

۱. قانون عادلانه و گرایش به قانون و عمل براساس معیارهای شرعی و عقلی، یکی از راهبردهای بنیادین در عرصه ساختار برای دستیابی به عدالت سیاسی است. مسلمانان

هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند (امام خمینی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۳).

۲. در این اندیشه، همچنین هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد (امام خمینی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۳). عدالت سیاسی از لحاظ وضع قانون، عبارت است از اینکه قانون برای همه افراد، امکانات مساوی برای پیشرفت و استفاده و سیر مدارج ترقی قایل شود و برای افراد به بهانه‌های غیر طبیعی مانع ایجاد نکند و عدالت اجتماعی از لحاظ اجرا و عمل - که وظیفه دولت‌هاست - این است که دولت در عمل برای افراد تبعیض و تفاوت قایل نشود (ر. ک. مطهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۲۵۳)، رکن اول، در اجرای عدالت، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است، قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد (خامنه‌ای شهید، ۱۳۶۰/۱/۷)، مجموعه قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به یک قله منتهی شود و آن عبارت است از عدالت (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۰/۴/۷).

۳. می‌توان گفت که قانون‌گرایی و قوانین عادلانه در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، به عنوان یک راهبرد ساختاری برای تحقق عدالت سیاسی جایگاهی بنیادین دارد. از این منظر، عدالت سیاسی تنها با فضیلت‌های فردی یا توصیه‌های اخلاقی استوار نمی‌شود، بلکه نیازمند ساختاری حقوقی و سیاسی است که در آن قانون عادلانه محور اداره جامعه قرار گیرد. در این چارچوب، قانون باید بر پایه حق، انصاف، نفی تبعیض و پاسداری از مصلحت عمومی تنظیم شود و هم‌زمان همگان از حاکمان تا شهروندان در برابر آن یکسان باشند. بدین سان، قانون‌گرایی به ابزاری برای مهار خودکامگی، جلوگیری از تبعیض، تحدید قدرت و صیانت از حقوق عمومی تبدیل می‌شود. بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه تحقق عدالت

سیاسی را در گرو استقرار قوانینی می‌داند که هم از جهت محتوا عادلانه باشند و هم از جهت اجرا، بدون استثنا و تبعیض بر همگان حاکم شوند؛ از این رو، قانون‌گرایی و قوانین عادلانه را باید از مهمترین راهبردهای ساختاری در برپایی عدالت سیاسی در اندیشه ایشان دانست.

۲-۲. تساوی همگان در برابر قانون

۱. یکی از کلیدی‌ترین راهبردهای ساختاری تحقق عدالت سیاسی برابری همگان در قبال قانون و مزایای سیاسی است، امری که خود به‌عنوان یکی از شاخص‌ها و معیارهای عدالت قابل بررسی است. توجه به این نکته مهم است که زمانی عدل به معنای مساوی است که استحقاق‌های مساوی هم وجود داشته باشد. براساس عدالت الهی برای هرکسی حقی ایجاد شده است و این حق گاهی مساوات و برابری بادیگران را می‌طلبد و گاهی هم تفاوت را. باید اضافه کرد، همان‌طور که عدل همیشه با تساوی همراه نیست، نمی‌توان عدل را هم با تشابه همراه نمود و گاهی هم عدالت بر خلاف تشابه است. مثلاً در مورد حقوق زن و مرد باید بیان داشت که عدالت در تشابه دانستن حقوق آنها نمی‌باشد بلکه ادعای ما این است که عدالت در عدم تشابه حقوق آنها است؛ زیرا که طبیعت آنها با هم تفاوت می‌کند و وضع نامشابهی به هم دارند. این عدم تشابه در پاره‌ای از حقوق، هم با عدالت سازگاری دارد و هم اینکه با حقوق فطری بهتر تطبیق می‌کند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۵)، اما بحث در اینجا آن است که به هر حال پس از وضع قانون براساس موازین شرعی و عقلی، همگی در برابر مزایا یا محدودیت‌های آن مساوی هستند. قانون اسلام که در آن هیچ ظلمی نباشد، شخص اولش با آن فرد آخر، در مقابل قانون علی السویه هستند (ر. ک. امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۲)، با توجه به همین امر است که ایشان صفاتی چند برای قاضیان و ریزینی‌های متفاوت برای اعمال قضاوت در نظر می‌گیرد، از جمله آن است که واجب است میان

دادخواهان، تساوی برقرار کند، هر چند از نظر جایگاه، متفاوت باشند و این تساوی باید در سلام کردن به آنها، پاسخ گفتن به سلام آنها، نشستن، نگاه کردن، سخن گفتن با آنها، ساکت کردن، خوشرویی و دیگر آداب و احترام‌ها رعایت بشود، سپس ایشان به عدالت‌ورزی در داوری اشاره می‌کند که در هر حال لازم و واجب است، حتی اگر حکم میان مسلمان و کافر باشد. آن گونه که بر قاضی جایز نیست که به یکی از طرفین دعوا، امری مانند چگونگی دلیل آوردن و راه غلبه، را تلقین کند و بیاموزد تا بر دیگری پیروز شود (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۰). عدالت قاطع، عدالت بی ملاحظه، عدالت فراگیر، عدالت امیدوارکننده، آن عدالتی که در آن افراد ضعیف و معمولی جامعه در مقابل قانون و معامله قانونی، با افراد مقتدر و قدرتمند یکسانند. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداری‌ها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. (خامنه ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

۲. از این رو در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، تساوی همگان در برابر قانون یک راهبرد ساختاری برای تحقق عدالت سیاسی است؛ بدین معنا که عدالت در نظام سیاسی، تنها با توصیه‌های اخلاقی یا اراده شخصی کارگزاران استوار نمی‌شود، بلکه به استقرار نظامی حقوقی نیاز دارد که در آن قانون بر همگان، از حاکمان و مسئولان تا شهروندان، به گونه‌ای یکسان و بی تبعیض حاکم باشد. در این چارچوب، قانون‌نگامی می‌تواند پشتوانه عدالت باشد که هیچ فرد، نهاد یا مرکز قدرتی خود را بیرون از قلمرو آن نبیند و امکان ویژه‌خواری، تبعیض و خودکامگی از میان برود. از این منظر، برابری در قبال قانون نه فقط یک اصل حقوقی، بلکه سازوکاری برای مهار قدرت، نگهبانی حقوق عمومی، تقویت اعتماد اجتماعی و حفظ سلامت نظام سیاسی است. در منظومه فکری ایشان، هر اندازه اجرای قانون عام‌تر، عادلانه‌تر و بی‌استثنا باشد، عدالت سیاسی نیز عینیت بیشتری خواهد یافت و هر جا قانون به صورت

گزینشی اجرا شود، زمینه بی عدالتی و فساد در ساختار حکمرانی پدید خواهد آمد.

۳. راهبردهای نظارتی تحقق عدالت سیاسی با تأکید بر اندیشه شهید آیت الله خامنه ای علیه السلام

در اندیشه شهید آیت الله خامنه ای علیه السلام، راهبردهای نظارتی تحقق عدالت سیاسی، ناظر به سازوکارهایی است که از انحراف قدرت، تبعیض و فساد جلوگیری می کند و حاکمان و کارگزاران را در برابر حق و قانون پاسخ گو نگه می دارد. این نظارت، هم در سطح درونی و اخلاقی، با تقویت تقوا، خداترسی و وجدان دینی مسئولان معنا می یابد، و هم در سطح بیرونی و نهادی، با قانون گرایی، پاسخ گویی، نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و مراقبت نهادهای رسمی بر عملکرد صاحبان قدرت تحقق پیدا می کند. در این چارچوب، نظارت ابزاری برای مهار قدرت و تضمین حرکت نظام سیاسی در مسیر عدالت، سلامت و رعایت حقوق مردم است.

۳-۱. مطالبه آگاهانه عدالت

از دیگر راهبردهای عدالت سیاسی، مطالبه آگاهانه عدالت و نظارت مردم و شهروندان از جریان قدرت در جامعه است. افراد جامعه اگر نسبت به رویدادهای پیرامون خود، بی دادگری ها و ناعدالتی های آن، بی اعتنا باشند، سر در لاک خویش گذارند و مطالبه عدالت را از خواسته های خویش قرار ندهند، حرکت آن جامعه به سوی عدالت، کند خواهد شد. با مبنای مسئولیت، مراقبت و نظارت اجتماعی، رفتار شهروندان و زمامداران تنظیم می شود و در پرتو آن، امر به معروف و نهی از منکر عملی می شود، این آموزه، مظهر مقابله با بی خیالی و بی مسئولیتی است که روح مسئولیت شناسی را بر همه جامعه حاکم می سازد تا در برابر ستم که بزرگترین منکر بایستد و ساکت نباشد، و امر به عدالت کند به عنوان یکی از بزرگترین معروف ها. با در نظر داشتن این اصل، امام خمینی علیه السلام باور داشت که اگر سکوت علمای اسلام موجب تأیید و یا تقویت ظالم شود، این عمل حرام بوده و واجب است، اظهار نظر کنند، حتی در صورتی که این مقابله در جلوگیری از ستم ستمگر نیز تأثیری نداشته باشد (امام خمینی،

۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴۹، طبعاً بیشترین رؤیه این مبارزه، چالش با مردم ستم‌پیشه و تلاش برای برپایی عدالت در جامعه است که گام اول آن، مطالبه عدالت، ایستادگی در برابر زورمندان، ثروت‌اندوزان و خودکامگان است.

من اعتقاد این است که باید مردم نسبت به مسئله عدالت اجتماعی، مجذانه و منطقی، با مسئولان‌شان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسئول کنند و از او مطالبه نمایند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۷۷). توجه به این مهم است که رهبری انقلاب همواره جنبش مطالبه عدالت را طرح کرده‌اند و اینکه بایستی عدالت آنچنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی، چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است، ناچار باشد، به مقوله عدالت، و لو بر خلاف میلش هم باشد، پردازد. سپس ایشان بر فراگیر شدن این گفتمان تأکید دارد که مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۲). پس تأکید می‌شود که از جوان‌ها این انتظار وجود دارد که عدالت‌خواهی را از یاد نبرند، مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۰/۸/۱۲)؛ از این‌رو ایشان مردم و آگاهی آنان را یکی از راهبردهای عدالت می‌داند و اینکه اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی، اجرا بشود، باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان علیه السلام به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۴/۶/۷).

۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر

با مبنای مسئولیت، مراقبت و نظارت اجتماعی، کنش شهروندان و زمامداران سامان

می‌یابد؛ مطالبه برای رفع ظلم و منکر و درخواست معروف از سوی شهروندان، تجلی مطالبه عدالت و حاکمیت روح مسئولیت‌شناسی و حساسیت نسبت به امور جامعه است تا شهروندان در برابر ستم که بزرگترین منکر است، مقاومت ورزند و به سکوت تن ندهند. طبیعتاً عرصه اصلی این مطالبه، ایستادگی در برابر زورمداران، ثروت‌اندوزان و خودکامگان است. لازمه تحقق عملی بسیاری از دستورهای سیاسی- اجتماعی قرآنی مانند امر به معروف و نهی از منکر که به انجام آنها سفارش شده است، مشارکت، نظارت و حضور پویای شهروندان است که به آنان امکان اظهار نظر، نقد و اعتراض را می‌دهد.

یکی از تکالیفی که خداوند متعال بر عهده بندگان خود نهاده است امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴) و یکی از مهمترین معروف‌هایی که هدف ارسال پیامبران است، برپایی عدل و داد است، در دو مورد از آیات قرآن، برپاکنندگان عدالت را محبوب خداوند می‌نامد و می‌فرماید: «إِنَّا اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده، ۴۲؛ حجرات، ۹).

مهمترین معروفی که در نظام اسلامی باید مورد مطالبه قرار گیرد و به آن فرمان داده شود، عدالت است. از همین رو آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام یکی از مهمترین مصادیق امر به معروف را امر به عدالت می‌داند و می‌فرماید: «وظیفه امر به معروف؛ این یک وظیفه عمومی است که یکی از مهمترین معروف‌ها حکومت حق و عدل است» (خامنه‌ای شهید، ۱۴۰۰/۳/۱۴). و آن‌گاه که از مسئولان، عدالت طلب می‌شود و از منکر ستم بازداشته می‌شوند، یکی از بزرگترین احکام الهی به اجرا درآمده است.

براساس آیه ۴۱ سوره حج، یکی از کارهایی که صاحبان قدرت در جامعه اسلامی انجام می‌دهند، امر به معروف و نظارت بر عمل دیگران از جمله صاحبان قدرت است، ایشان ضمن اشاره به این مطلب، می‌گویند در «أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» عقییم؛ عدالت، انصاف، برادری، ارزش‌های اسلامی؛ اینها معروف است؛ باید امر به معروف بکنیم. از منکر هم نهی کنید؛ ظلم، فساد، تبعیض، بی‌انصافی و عدم اطاعت الهی؛ اینها

ظلم و منکر است؛ از اینها باید نهی بشود؛ یعنی اینها [جزو] وظایف است. امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز، مثل زکات جزو وظایف است (خامنه‌ای شهید، ۱۴۰۱/۷/۴). بخشی از عینیت یابی این امر الهی، در پیکره نظارت‌خواهی پدیدار می‌شود. اگر نظام سیاسی نظارت‌پذیر باشد، در برابر منکر خاموشی نمی‌گزیند و از سوی دیگر، اجرای معروف را که یکی از مهمترین چهره‌های آن عدالت سیاسی است، پیگیری می‌کند. این مهم، بال نظارت همگانی است و بدون آنها، سامان سیاسی، گرفتار آفت سکوت و انفعال می‌شود.

۴. راهبردهای اجرایی عدالت سیاسی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

از منظر رهبر شهید، راهبردهای اجرایی عدالت سیاسی را می‌توان در دو عرصه تجهیز به قدرت و قاطعیت، رصد کرد. قدرت، ابزاری برای تحقق عدالت و مهار متجاوزان به حقوق دیگران است که با نظارت بر قدرت و پاسخ‌گویی حاکمان در برابر خدا و مردم معنا می‌یابد. قاطعیت در برابر کسانی که حقوق دیگران را پایمال می‌کنند، بویژه قدرت‌مندان و ثروتمندان، شرط اساسی اجرای عدالت است. عدالت با تعارف و مدارا شکل نمی‌گیرد و نیازمند برخورد قاطع با ظلم و تبعیض، و برابری همه در برابر قانون است.

۴-۱. تجهیز به قدرت

۱. بدون قدرت، حاکمیت و حکومت، نمی‌توان حرکت جامعه به سوی عدالت را تضمین کرد و نهایت آنکه به صورت فردی، بتوان کارهایی جزئی و خرد انجام داد. از این رو همواره در مسیر اجرای عدالت، زیاده‌خواهانی وجود دارند که تنها با زبان قدرت می‌توان با آنان صحبت کرد و از ستم بازداشت. به یاد داشته باشیم که عدالت بدون قدرت و اراده اجرای قانون محقق نمی‌شود. در نظام اسلامی و اندیشه سیاسی آن، راهبردهایی گونه‌گون برای تحقق عدالت پیش‌بینی شده است. اسلام برای برپایی حکومت عادلانه به پا خاست که در آن قوانین مالیات و بیت‌المال عادلانه است، قوانین جزائی در حوزه قصاص، حدود و دیه که اگر به

آنها عمل شود، مفساد و امور زشت، از جامعه ریشه کن خواهد شد، آن گونه که قوانین مربوط به حقوق و دادرسی به روشی عادلانه و آسان تشریح شده است (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۰). به تعبیر رهبر شهید انقلاب اسلامی، با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می کند و می گوید خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط»؛ برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می فرماید: «و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (حدید، ۲۵)؛ یعنی پیغمبران افرون بر اینکه با زبان دعوت سخن می گویند، با بازوان و سرپنجهگان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می کنند. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسان ها باید خود را به قدرت مجهز کنند (خامنه ای شهید، ۱۳۸۱/۷/۳۰)؛ بنابراین، این امر پذیرفته شده است که دین اگر با قدرت همراه شود، خواهد توانست گسترش و بسط پیدا کند؛ اهداف و آرزوهای دینی را تحقق ببخشد و آرمان هایی را که دین شعار آنها را می داده است، در جامعه به وجود آورد. اینها بدون قدرت امکان ندارد؛ با قدرت ممکن است. مثلاً شما خیال می کنید عدالت اجتماعی را در جامعه، می شود با نصیحت، توصیه، التماس و خواهش به وجود آورد؟! عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و کمک برای استقرار تساوی در قانون را مگر می شود بدون قدرت، به وجود آورد؟! (خامنه ای شهید، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

۲. بنابراین تجهیز به قدرت، در این مسیر راهبردی کلیدی برای دستیابی به عدالت سیاسی است. قدرت در این چارچوب، هنگامی مشروعیت می یابد که در مسیر مهار ستم، تعدیل نابرابری ها و حمایت از حقوق محرومان به کار گرفته شود. این قدرت در اختیار نهادهای پاسخ گو و کارگزاران متعهد قرار می گیرد تا از انحراف به سمت خودکامگی و ثروت اندوزی مصون بماند. عدالت خواهی بدون برخورداری از ابزار قدرت، به آرزویی دست نیافتنی بدل می شود و ستمگران را

در جایگاه بی کیفر باقی می گذارد. این رویکرد، نظارت عمومی را به عنوان مکمل قدرت حاکمیتی تقویت کرده و با ایجاد توازن میان قدرت و مسئولیت، امکان ایستادگی در برابر زورمداران و تعدی گران را فراهم می آورد.

۲-۴. قاطعیت

قاطعیت، راهبرد اجرایی دیگر در اجرای عدالت سیاسی و مهار زورمداران است. عدالت با نرمش در برابر ستمگران شکل نمی گیرد؛ بلکه نیازمند برخورد قاطع با متجاوزان به حقوق عامه، ویژه ثروت اندوزان و خود کامگان است. این راهبرد، قانون مداری را معنا می بخشد و از بی کیفری قدرتمندان جلوگیری می کند. قاطعیت در نظارت، همراه با شجاعت در افشای فساد و بی تفاوتی نمودن در برابر منکر، عدالت را از شعار به عینیت تبدیل می سازد. اجرای بی چون و چرای قانون برای همگان، نظارت همگانی و پاسخ گویی حاکمان در برابر مردم، ثمره قاطعیت و ورزی در مسیر عدالت سیاسی است. این راهبرد، جامعه را به سمت نظم و انصاف رهنمون می شود. در بیان و منطق رهبر شهید، یکی از راهبردهای تأثیرگذار در اجرای عدالت، قاطعیت و استواری برای رسیدن به هدف است، برای نمونه علی علیه السلام از لحظه ای که مسئولیت حکومت را قبول کرد، تا لحظه ای که فرق مبارکش در محراب عبادت شکافته شد، یک روز و یک ساعت از مطالبه ی آن حقی و حقیقتی که اسلام به خاطر او بنا شده بود، دست برنداشت؛ نه رودربایستی، نه مجامله، نه ملاحظه، نه ترس، نه ضعف، مانع او نشد. انبیا علیهم السلام برای اجرای عدالت آمده اند و امیرالمؤمنین علیه السلام رسالتش در وصایت پیغمبر و خلافت اسلامی این است. یک لحظه از این راه عقب نشینی نکرد. رفقای قدیمی از او بردند؛ متوقعان بهشان برخورد؛ از او جدا شدند؛ علیه او جنگ های براندازی راه افتاد. کسانی که تا دیروز او را ستایش می کردند، عدالت او را که دیدند، تبدیل به دشمن خونی او شدند؛ لکن ملامت ملامتگران، ذره ای در امیرالمؤمنین علیه السلام اثر نگذاشت؛ راه را محکم ادامه داد (خامنه ای شهید، ۱۳۸۶/۵/۶).

ایشان در بیانی دیگر می‌گویند که ویژگی قاطعیت و صلابت در راه حق، اگر نگوئیم مهمترین، حداقل بارزترین خصوصیت زندگی امیرالمؤمنین است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از تشخیص حق، هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی راه حق او را بگیرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره او فرموده است: «خشن فی ذات الله». امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جمله کسانی است که در راه خدا، هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد و مانع او بشود؛ آنچه را که تشخیص داد، بدون هیچ گونه مبالغاتی عمل می‌کند. اگر به سرتاسر زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) نگاه کنید، این خصوصیت را مشاهده می‌کنید؛ قاطعیت و صلابت. از اول نشستن بر مسند حکومت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) این قاطعیت و صلابت را نشان می‌دهد. یعنی حکومت وقتی که به نام خدا و برای خدا و برای اجرای احکام الهی است، باید تحت تأثیر هیچ ملاحظه‌یی که مخالف با حق باشد، قرار نگیرد. این، آن منطقی است که امیرالمؤمنین دنبال می‌کرد. اگر دشمنان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) را مشاهده کنید، می‌بینید که این قاطعیت چه قدر مهم است (خامنه‌ای شهید، ۱۳۷۰/۱/۲۶). با توجه به راهگشایی این ویژگی است که رهبری انقلاب در برخورد با فساد که ریشه ناعدالتی است تصریح دارد که اگر ایشان کسی را منصوب کرده باشد و بعد در او عیبی از قبیل همین مفاسد اقتصادی بینم، بدون تردید با او مامشات نمی‌کنم و او را کنار می‌گذارم (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۲/۲/۲۲). ایشان همچنین در پیام هشت ماده‌ای مبارزه با فساد تأکید کرده است که در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود و این شبهه را که فلان نهاد منتسب به رهبری است، پس معاف از نظارت است را رد می‌کند به اینکه هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۰/۲/۱۰). ایشان در جایی دیگر تأکید دارد که در اندیشه اسلامی، راهبردها و راهکارهای گوناگون برای اجرای عدالت در نظر گرفته شده است، عدالت اصلی است که قاطعیت، ارتباط با مردم،

ساده زیستی، مردمی بودن و بالاتراز همه، خودسازی و تهذیب می خواهد (خامنه‌ای شهید، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳)؛ بنابراین در منطق و کلام رهبری شهید، قاطعیت، به مثابه راهبردی بنیادین، شرط تحقق عینی عدالت سیاسی در عرصه نظم و حکمرانی است. این رویکرد، نشانگر عزمی استوار در اجرای قانون، نظارت همگانی و برخورد بدون تبعیض با متجاوزان به حقوق عامه، بویژه صاحبان زر و زور است. عدالت در پرتو قاطعیت هوشمندانه، پاسخ گویی حاکمان و شفاف سازی نهادها معنا می یابد و از انفعال و مماشات در برابر زشت کاری ها مبرا است. این راهبرد، ضمن مهار فساد و بی عدالتی، اعتماد عمومی به نظام را استحکام می بخشد و عدالت را از شعار به عینیت تبدیل می کند. بدین سان، قاطعیت راهبردی، ضامن تحقق عدالت پایدار و نهادینه شده در جامعه سیاسی است و آن را از آرمانی دست نیافتنی به واقعیتی ملموس بدل می سازد. در این مسیر، نهادینه سازی برخورد قاطع با بی قانونی، ارکان اصلی تحقق عدالت سیاسی راستین به شمار می روند.

نتیجه گیری

عدالت در هسته مرکزی اندیشه سیاسی اسلام و تشیع قرار دارد و سایر مفاهیم بنیادین همچون مشروعیت، پیشرفت، آزادی، اخلاق و دیگر ارزش های اسلامی - انسانی در نسبت با آن معنا و ارزش می یابند. از این رو، عدالت سیاسی تنها یکی از اهداف حکمرانی اسلامی نیست، بلکه معیاری بنیادین برای ارزیابی صحت و کارآمدی ساختارها، سیاست ها و عملکردهای سیاسی به شمار می رود. با این حال، عدالت خود نیز غایت نهایی نیست، بلکه راه و هدفی میانی برای هدایت انسان و جامعه به سوی کمالات انسانی، تعالی معنوی و رستگاری حقیقی به شمار می رود.

یافته های پژوهش نشان داد که در اندیشه سیاسی اسلام و دیدگاه رهبر شهید آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه، تحقق عدالت سیاسی مستلزم مجموعه ای از راهبردهای به هم پیوسته و مکمل است که در چهار سطح قابل تبیین اند: راهبردهای تولیدی شامل عقلانیت، تقوا و معنویت و فراگیری ارزش های اسلامی؛ راهبردهای ساختاری شامل قانون گرایی، قوانین

عدالانه و تساوی همگان در برابر قانون؛ راهبردهای نظارتی که در قالب مطالبه آگاهانه عدالت از سوی مردم و نخبگان، صیانت از عدالت و جلوگیری از انحراف قدرت را بر عهده دارند و راهبردهای اجرایی که از طریق تجهیز به قدرت و قاطعیت، زمینه تحقق عملی عدالت و مقابله با فساد، تبعیض و قانون‌گریزی را فراهم می‌آورند.

بر این اساس، عدالت سیاسی در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله، حاصل فرایندی چندسطحی است که از مبانی فکری و ارزشی آغاز می‌شود، در ساختارهای حقوقی و نهادی تبلور می‌یابد، به‌وسیله نظارت و مطالبه‌گری اجتماعی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد و در نهایت با اقتدار و قاطعیت اجرایی به مرحله تحقق عینی می‌رسد. از این‌رو، تحقق پایدار عدالت سیاسی مستلزم توجه همزمان و متوازن به ابعاد تولیدی، ساختاری، نظارتی و اجرایی عدالت است و ضعف در هر یک از این ابعاد می‌تواند فرایند تحقق عدالت را با چالش مواجه سازد.

یکی از امتیازات دیدگاه‌های عدالت‌گرا پس از انقلاب اسلامی آن است که این دیدگاه‌ها از سوی اندیشمندانی ارائه شده‌اند که افزون بر تأملات نظری، در عرصه مدیریت و اجرای نظام سیاسی نیز حضور داشته‌اند. از این‌رو، مباحث عدالت در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله و رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله تنها در سطح مفاهیم انتزاعی باقی نمانده، بلکه به الزامات، موانع و سازوکارهای استقرار عملی عدالت در جامعه اسلامی نیز توجه یافته است. این ویژگی، ظرفیت ویژه‌ای برای تبدیل عدالت از یک مفهوم نظری به یک برنامه عملی در عرصه حکمرانی اسلامی فراهم می‌آورد.

منابع

آشوری، محمد. (۱۳۸۱). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. تهران: اطلاعات.
امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۵). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۵). کتاب البیع. قم: مطبعة مهر.
امام خمینی، روح الله. (۱۳۶۴). ولایت فقیه. قم: انتشارات آزادی.
امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۲). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). المبسوط (ج ۷). مشهد: المكتبة المرتضوية.
جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۶۰/۱/۷). خطبه اول نماز جمعه تهران.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۷۱/۱۱/۱). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۷۵/۹/۱۹). بیانات در دیدار کارگزاران نظام.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۰/۴/۷). بیانات در دیدار مسئولان قوه قضاییه، خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از قضات.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۰/۸/۱۲). بیانات.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۰/۲/۱۰). بیانات.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۱/۷/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۴/۶/۸). بیانات.
خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۵/۸/۲۰). بیانات.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۵/۴/۲۹). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۶/۵/۶). بیانات.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۳۸۸/۶/۸). بیانات در دیدار هیئت دولت.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (بی‌تا). دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران.

دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

راولز، جان. (۱۳۸۳). نظریه عدالت (مترجم: محمد کمال سروریان، مرتضی بحرانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). المفردات فی غریب القرآن. قم: دفتر نشر کتاب اسلامی.

شریف رضی، محمد بن حسین. (بی‌تا). نهج‌البلاغه. قم: انتشارات هجرت.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). کتاب‌الغین (ج ۲). قم: انتشارات هجرت.

واعظی، احمد. (۱۳۸۴). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.

مصطفوی، حسن. (بی‌تا). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۸). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). یادداشت‌های استاد مطهری (ج ۶). تهران: انتشارات صدرا.

مک‌لین، ایان. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد (مترجم: حمید احمدی). تهران: نشر میزان.

Merriam, G. & C. (1913). Webster's Revised Unabridged Dictionary. Springfield, MA: G. & C. Merriam.